

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی
۳۰ مارچ ۲۰۱۷

آغاز یک دوره جدید در ترکیه!

(بخش سیزدهم)

رفتار و اهداف و سیاست‌های داخلی و بین‌المللی و منطقه‌ای اردوخان سبب شده است که بحران‌ها اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و دیپلماتیک ترکیه بیش از پیش تشدید شود و آوار این بحران‌ها نیز بر سر مزدبگیران، ستم‌دیدگان، محرومان و آزادی‌خواهان و برابری‌طلبان جامعه می‌ریزد. اردغان شمشیر نئوعثمانی و فاشیستی خود را از رو بسته و فعلاً به یکی از مهره‌های اصلی بازی شطرنج سیاسی روسیه و پوتین به ویژه در رقابت با اتحادیه اروپا و منطقه تبدیل شده است. او همچنین روی کمک‌های مالی «سقاوت‌مندان» عربستان سعودی و همکاری با حکومت اسرائیل نیز حساب باز کرده است. به علاوه اکنون خبر همکاری داعش و دولت ترکیه در لیبی نیز منتشر شده است.



خبرگزاری‌ها گزارش دادند که کار رای‌گیری از اتباع ترکیه‌ای مقیم خارج از کشور در مورد تغییر قانون اساسی از ساعت ۹ صبح روز دوشنبه ۲۷ مارس ۲۰۱۷ در ۱۱۹ حوزه رای‌گیری مستقر در نمایندگی‌های خارجی ترکیه آغاز شده است. طبق این گزارش‌ها، قریب به ۳ میلیون واجد شرایط مقیم خارج در همه‌پرسی قانون اساسی شرکت خواهند کرد. همه پرسى در داخل ترکیه روز ۱۶ آوریل مطابق با ۲۷ فروردین انجام می‌گیرد. هر چه زمان می‌گذرد تلاش‌های تبلیغاتی اردوخان برای جلب آراء مردم ترکیه محتوای مضحک‌تری به خود می‌گیرد. به‌عنوان نمونه در حالی‌که امپراطوری عثمانی از شکست‌خورندگان اصلی جنگ جهانی اول است و به‌دنبال این شکست بود که مناطق تحت

کنترول دولت عثمانی(به جز ترکیه کنونی)، مطابق قرارداد «سایکس پیکو» همگی به کنترول دولت‌های فرانسه و بریتانیا درآمدند. اما اردوخان پیروزی امپراطوری عثمانی بر ارتش انگلیس در یکی از نبردها را جشن می‌گیرد! در همین مراسم بود که اردوخان از تلاش‌هایش برای بازگرداندن قانون مجازات اعدام خبر داد. او گفت: «فعلا رفرا ندم ۱۶ آوریل برای گسترش اختیارات رئیس جمهور برپا می‌شود و پس از آن پارلمان قانون مجازات اعدام را تصویب می‌کند.»

بینالی یلدرم نخست وزیر اردوخان نیز بازگرداندن مجازات اعدام را به خواست مردم نسبت داد و گفت «ما به درخواست مردم بی‌توجهی نمی‌کنیم و آنرا اجرا خواهیم کرد.»

از سال ۱۹۸۴ تاکنون هیچ حکم اعدامی در ترکیه اجرا نشده است و از سال نیز ۲۰۰۴ مجازات اعدام رسماً در مورد کلیه جرائم ملغی شده است. اما طی سال‌هایی که حکومت اسلامی حزب «عدالت و توسعه» در قدرت بوده است، این حکومت از راه‌های دیگری دست به عملیات تروریستی و حذف فیزیکی مخالفان و فعالان سیاسی زده است. ترور فعالان سیاسی و روزنامه‌نگاران در داخل ترکیه و خارج کشور توسط عوامل میت و یا گروه‌های تروریست اسلامی یا منفجر کردن بمب در تجمعات جریان‌های سیاسی نیروهای چپ از جانب عوامل حکومت اردوخان، از جمله اقدامات جنایت‌کارانه دیگر در جهت از میان برداشتن مخالفان سیاسی بوده است.

حزب حاکم به رهبری اردوخان، همین قانون اساسی کنونی را نیز زیر پا گذاشت به‌زوری مصونیت برخی نمایندگان پارلمان از حزب دموکراتیک خلق‌ها لغو کرده و نمایندگان و رهبران آن را به زندان افکنده است.

کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل، در گزارش اسفندماه ۹۵ خود، دولت ترکیه را متهم به کشتار وسیع مردم کردستان نمود و اعلام کرد که «در یک سال گذشته با لشکرکشی دولت به شهرها و روستاهای کردستان دو هزار نفر کشته شده و هزاران نفر ناپدید شده‌اند و بخش وسیعی از این منطقه با خاک یکسان شده است و ۵۰۰ هزار نفر از ساکنان منطقه نیز آواره شده‌اند.»

یورش به دفاتر حزب دموکراتیک خلق‌ها، روزنامه‌ها و ممنوعیت انتشار بیش از ۱۶۰ رسانه، دستگیری و زندانی کردن ده‌ها هزار نفر و برکناری و اخراج بیش از صد هزار نفر از کارکنان دولت شامل روزنامه‌نگاران، نویسندگان، حقوق‌دانان، معلمان و اساتید دانشگاه‌ها، کادر درمانی و ارتشیان، بخش دیگری از اقداماتی بود که دولت اردوخان بر علیه مخالفانش انجام داد. چندی پیش نیز سازمان گزارشگران بدون مرز نام اردوخان را در لیست ۳۵ رئیس دولتی قرارداد که از آن‌ها به‌عنوان دشمنان آزادی مطبوعات نام برده بود. ناکامی دولت اسلامی در ترکیه در حل بحران‌های رو به گسترش سیاسی، اقتصادی و منطقه‌ای، دلیل رویکرد این دولت به اقدامات جنایت‌کارانه است. واقعیت این است که دولت اردوخان در پیش‌برد سیاست‌های داخلی و منطقه‌ای با شکست مواجه شده است.

به‌گزارش روزنامه جمهوریّت، اخیراً کمال قلیچداراوغلو رهبر بزرگترین حزب مخالف در پارلمان ترکیه نیز بر این واقعیت صحنه گذاشت و اظهار داشت: «تنها دولتی که در سیاست‌های خاورمیانه شکست خورده ترکیه است.» او تأکید کرد: «امریکا و روسیه در رابطه با «پ ی د» مشترک عمل می‌کنند. ترکیه نتوانسته معادلات جدید منطقه را بفهمد و تحلیل نماید. اردوخان بارها با تأکید گفته بود که ارتش این کشور به منبج وارد می‌شود. اما نه در منبج و نه در رقه نتوانست کاری بکند.» در ادامه قلیچدار، با لحنی تحقیرآمیز خطاب به اردوخان و ادعاهای او گفت: «تشکیل منطقه حائل امنیتی چه شد؟ آیا در رابطه با غرب فرات هنوز خط قرمزی برایتان باقی مانده است؟

در حالی که تنش بین سران اتحادیه اروپا و ترکیه بالا گرفته است لیبی ادعا کرده که دولت ترکیه از داعش در لیبی حمایت می‌کند.

دولت رجب طیب اردوخان رئیس جمهوری ترکیه، حامی اصلی داعش در لیبی نیز است. به تازگی، سخن‌گوی ارتش لیبی، اعلام کرد که دولت اردوخان از حامیان اصلی تروریسم در لیبی است. المسماری در گفتگویی مطبوعاتی، ادعا کرد که نیروهای ارتش لیبی توانستند تروریست‌های داعش را در منطقه العمارات در غرب منطقه بنغازی به محاصره در آورند و جنگ با تروریست‌ها در این منطقه رو به پایان است. او ضمن مبارزه با تروریسم اظهار کرد که تروریست‌های داعش با وجود پشتیبانی‌های بسیار زیاد خارجی در آستانه شکست کامل در لیبی هستند و تاکنون نتوانستند دست‌آورد چندانی در لیبی به دست آورند. سخن‌گوی ارتش لیبی، همچنین تأکید کرد ترکیه به‌طور رسمی از تروریست‌ها در لیبی حمایت می‌کند به‌طوری که مزدورهای ترک و برخی اتباع نیجریه نیز به همراه تروریست‌های داعش در لیبی حضور دارند.

در رابطه با حضور داعش و ارتش ترکیه در سوریه نیز گفته می‌شود زمانی که تانک‌های ترکیه وارد جرابلس شدند، داعشی‌ها شهر را ترک نکردند فقط ریش‌های خود را تراشیدند. یکی از اعضای داعش به روزنامه ایندپندنت گفته که این گروه تروریستی حتی اگر در سوریه و عراق نیز شکست بخورد همچنان به حیات خود ادامه خواهد داد. فرج، ۳۰ ساله، یکی از اعضای سابق داعش که در شمال شرق سوریه می‌جنگد، در گفت‌وگویی اختصاصی با ایندپندنت می‌گوید: «وقتی می‌گوئیم داعش ابدی است و همچنان در حال گسترش است شعر نمی‌گوئیم یا یک عبارت تبلیغاتی نیست.» فرج با اعلام این‌که داعش قصد دارد قدرت خود را در عربستان سعودی، مصر، لیبی و تونس احیا کند، می‌گوید عاملان داعش در اقصی نقاط دنیا حضور دارند و تعدادشان همچنان در حال افزایش است. فرج همچنین جزئیاتی را از همکاری نزدیک میان داعش - ترکیه فاش می‌کند. او که از طریق «واتس‌آپ» و جایی در خارج از سوریه صحبت می‌کند بدون اعلام نام واقعی خود می‌گوید: «زمانی که برای اولین بار از فرمانده خود شنیدم که داعش در صورت شکست در سوریه و عراق نیز به حیات خود ادامه می‌دهد تصور کردم این سخنان تبلیغاتی و هدفش روحیه دادن به اعضای گروه است یا این‌که آن‌ها با این سخنان تلاش دارند تا شکست‌های داعش را پنهان کنند. اما خیلی زود متوجه شدم که فرماندهان داعش برای ایجاد پایگاه‌هایی در مناطق دیگری از جهان اقدامات کاملاً عملی دارند.»

یکی از فرماندهان داعش در لیبی یک سال پیش به فرج گفته بود که «برای یک عملیات خاص به لیبی می‌رود و دو ماه دیگر باز می‌گردد.»

کاملاً روشن است داعش خود را برای روزهای پس از شکست در سوریه و عراق آماده می‌کند. فرج می‌گوید که از آنجایی که قدرت‌های جهانی جذابیت داعش و ایدئولوژی این گروه برای کسانی که وضع موجود را غیرقابل تحمل می‌دانند درک نمی‌کنند، قدرت انعطاف‌پذیری آن را دست‌کم می‌گیرند. او می‌گوید: «من فرماندهان و هم‌زمانم و همین‌طور مبارزه کردن در اعتراض به ظلم و بی‌عدالتی که قبلاً تجربه کرده‌ام را دوست دارم.»

فرج اهل روستائی سنی‌نشین در شمال شرق کردنشین سوریه، جایی میان دو شهر «حسکه» و «قامیشلی» است. او که به نسبت دیگر اعضای داعش از تحصیلات بهتری برخوردار است، از دانشگاه حسکه فارغ‌التحصیل شده است. فرج به‌همراه چند تن از اعضای خانواده خود در ۲۰۱۲ به جبهه النصره ملحق شده است. جبهه النصره که به‌عنوان یکی از شاخه‌های القاعده در سوریه شناخته شده، اخیراً اعلام کرده که نام خود را به جبهه فتح الشام تغییر داده و ارتباط خود را با القاعده قطع کرده است. فرج می‌گوید که به‌دلیل اختلافاتی که با داعش پیدا کرد - اختلافاتی که تمایلی برای صحبت کردن درباره آن‌ها ندارد - دیگر عضو این گروه نیست اما همچنان یکی از حامیان داعش است چرا که عمیقاً هدف این

گروه را باور دارد. فرج می‌گوید که جذابیت داعش برای او، نه در ایدئولوژی افراطی این گروه که در مکانیزم موثر و سازمان‌دهی شده آنان برای نشان دادن اعتراض است. فرج می‌گوید: «داعش بهترین راه حل برای اصلاح اقدامات نادرست رژیم‌های استبدادی در منطقه است.»

فرج همچنین در این مصاحبه به جزئیات رابطه داعش و آنکارا اشاره می‌کند. زمانی که تانک‌ها و خودروهای زرهی ترکیه وارد سوریه شدند به‌نظر می‌رسید که داعش دقیقاً می‌داند ارتش ترکیه در حال پیشروی است و با این حال هیچ مقاومتی در برابر این پیشروی نداشت. این در حالی است که داعشی‌ها پیشتر در برابر پیشروی کردهای سوریه (نیروهای دموکراتیک سوریه و یگان‌های مدافع خلق) در شهر منبج به شدت مقاومت می‌کردند؛ به‌طوری که در این درگیری بیش از هزار تن از این گروه تروپستی کشته شدند.

با حمله ارتش ترکیه به سوریه اعلام شد که نیروهای داعش از شهر جرابلس به‌سوی یکی دیگر از پایگاه‌های خود در منطقه الباب عقب‌نشینی کرده اند، اما فرج داستان دیگری برای روایت کردن دارد. او می‌گوید: «زمانی که تانک‌های ترکیه ای وارد جرابلس شدند من با دوستانم که در این شهر بودند صحبت کردم. در واقع داعشی‌ها جرابلس را ترک نکرده بودند؛ آن‌ها فقط ریش‌های خود را تراشیده بودند!»

فرج همچنین درباره دفاع از شهر تل ابیض در یک سال گذشته نیز ادعای قانع‌کننده‌ای مبنی بر همدستی داعش و ترکیه دارد. تل ابیض یکی از گذرگاه‌های میان ترکیه و داعش بود که برای تروریست‌ها اهمیت بسیاری داشت. در تابستان ۲۰۱۵ کردهای سوریه با حمایت هوایی ایالات متحده از شرق به‌سمت غرب در حال پیشروی بودند و این شرایط دفاع از شهر را برای داعش دشوار کرده بود. فرج یکی از ۱۵۰ عضو داعش بود که در برابر حملات کردها مقاومت می‌کرد. او می‌گوید: «در آن دوره ترکیه حمایت‌های زیادی از داعش کرد. وقتی من در ماه می ۲۰۱۵ در تل ابیض بودم، تسلیحات و مهمات زیادی را بدون هیچ مانعی از مأموران مرزی دریافت می‌کردیم.»

کردهای سوریه مدت‌هاست که ترکیه را به حمایت از داعش متهم می‌کنند، اما این نخستین بار است که یکی از اعضای داعش به صراحت این مسأله را تأیید می‌کند. این در حالی است که دولت ترکیه بارها این اتهامات را رد کرده است. فرج که به‌عنوان یک عرب سنی از منتقدان ترکیه و کردهای سوریه است، تأکید می‌کند رجب طیب اردوخان را دوست ندارد اما به اعتقادش او هرچه که هست بهتر از دیکتاتورهای عرب است.

فرج می‌گوید که اردوخان با ترغیب کردها به جنگ در ترکیه و کشاندن این جنگ به مرزهای سوریه و همچنین با حمایت داعش و روانه کردن آنان به سوریه مسئول ویرانی سوریه است.



[داعش پس از سوریه و عراق به کجا خواهد رفت؟](#)

گروه داعش پس از ناکامی‌های خود در سوریه و عراق اکنون لیبی را به‌عنوان مرکزی برای بازیابی قدرت با هدف جبران شکست‌های خود انتخاب کرده است.

داعش طی ماه‌های اخیر با چند شکست پی در پی در سوریه و عراق روبه‌رو شد. از یک سو نیروهای داعش شکست سنگینی از طرف نیروهای مردمی و ارتش عراق در شهر الرمادی متحمل شدند و از سوی دیگر در بسیاری از مناطق راهبردی سوریه نیز ارتش این کشور و همپیمان آن توانستند ضربه‌های کمرشکنی را به این گروه وارد کنند. اکنون نیز دیر و یا زود از موصل رانده خواند شد. اما بی‌تردید داعش و پشتیبانان آن هر اندازه که در عراق، سوریه با شکست روبه‌رو شود، به‌همان میزان برای بازیابی قدرت خود در دیگر مناطق تلاش خواهد کرد.

این گروه اکنون با توجه موقعیت مناسب لیبی، نبود دولت و ارتش سراسری برای انتقال نیروهای خود به این کشور تلاش کند. چرا که لیبی برای دامن زدن به خطر تروریسم جهانی، مکان بسیار مناسبی است و ابزارهای داعش هم در آن یافت می‌شود.

اکنون شهر ساحلی سرت لیبی که از جایگاه راهبردی و ساختار قبیله‌ای منسجمی برخوردار است به نخستین پایتخت داعش در خارج از سوریه و عراق تبدیل شده است.

روزنامه نیویورک تایمز نوشت: هنگامی که پرچم داعش یک سال پیش در ساحل شهر سرت برافراشته شد این مسأله فقط یک ضربه به‌گروه‌های مسلح داخلی این کشور بود که تلاش می‌کردند خود را در این شهر مطرح کنند، اما اکنون اوضاع فرق کرده و شهر سرت به مستعمره داعش در لیبی تبدیل شده است. تروریست‌ها از دیگر کشورها راهی این شهر شدند. سرت به قیله‌گاه فرماندهان و نیروهای شکست خورده و فراری داعش در عراق و سوریه تبدیل شده است. این افراد پس از حمله‌های هوایی و زمینی نیروهای عراق و سوریه به آنان، اکنون سوریه و عراق را به قصد لیبی ترک می‌کنند.

پایگاه خبری الوفد مصر هم نوشت: تردیدی نیست که تلفات مادی و انسانی که داعش در عراق و سوریه متحمل شده سبب شد تا این گروه تلاش کند مرکز فعالیت خود را از سوریه و عراق به دیگر کشورهای بحران زده منتقل کند. این گروه لیبی را انتخاب کرده است. زیرا این کشور ضعیف و هرج و مرج در آن حاکم است.

به‌نوشته پایگاه خبری الوفد، اوضاع ناگوار لیبی فرصتی را برای داعش فراهم کرده است تا هدف‌های خود را محقق سازد و از شرق این کشور در کشورهای مغرب عربی و از شمال آن در کشورهای اروپایی و از جنوب در آفریقای مرکزی دامنه نفوذ خود را گسترش دهد و با اتحاد با گروه تروریستی بوکوحرام در چاد و نیجریه هم پیشروی کند. این گروه تلاش می‌کند با بازسازی خود در لیبی شکست‌های خود در سوریه و عراق را جبران کند. با توجه به این‌که لیبی از منابع مالی و انسانی برخوردار است داعش با کمک قطر و ترکیه از راه دریائی و هوائی به سرعت نیروهای خود را به این کشور منتقل کرد. گزارش‌ها شورای امنیت نشان از این دارد که ۸۰۰ تن از عناصر داعش از سوریه به منتقل شده‌اند.

به‌نوشته پایگاه الوفد، با توجه به این‌که لیبی در مرکز خاورمیانه، آفریقا و اروپا قرار گرفته است برای داعش از اهمیت راهبردی برخوردار است. حضور داعش در آن فرصت بی‌مانندی را برای گسترش خلافت مورد ادعای آن را فراهم می‌کند. شهر سرت که در ۴۵۰ کیلومتری شرق طرابلس قرار دارد برای داعش از اهمیت بالائی برخوردار است. این شهر در نزدیکی مناطق نفت خیز اصلی و پالایشگاه‌های شرق لیبی قرار دارد که هلال نفتی لیبی نامیده می‌شود. افزون بر این سرت در نزدیکی سواحل ایتالیا قرار دارد و داعش می‌تواند از آن‌جا به سوی کشورهای اروپایی هم منتقل شود.

به همین سبب است که داعش شهر سرت را کم اهمیت‌تر از شهر الرقه سوریه ندانسته است. از این‌رو، داعش برای به کنترل در آوردن سواحل لیبی در خلیج سرت تلاش می‌کند.

به‌نوشته الوفد، «باتریک بریور» تحلیل‌گر امور مبارزه با تروریسم بر این باور است که شاخه داعش در لیبی بسیار نگران‌کننده است. داعش از پایگاه خود در لیبی همه تحرک‌های خود را در شمال آفریقا مدیریت می‌کند.

به‌نوشته نیویورک تایمز، رسیدن داعش به شهر سرت و انتخاب این شهر به‌عنوان پایتخت مسأله‌ای خطرناک است. این گروه در منطقه دورتر از حوزه نفوذ خود در عراق و سوریه چالش آفرین شده است. هدف این گروه افزایش نفوذ و دامنه عملیات در مناطقی فراتر از عراق و سوریه است. سرنگونی هواپیمای روسیه در سینا و دامن زدن به اقدام‌های تروریستی در پایتخت فرانسه، حمله به گارد ریاست جمهوری تونس، ترور فرماندهان امنیتی و استاندار عدن و...، همگی گویای این مسأله است.

به‌نوشته پایگاه خبری الوفد، از دلایلی که سبب شد داعش لیبی را برای فعالیت خود انتخاب کند قلمرو گسترده و موقعیت جغرافیائی راهبردی آن است که بر مصر، الجزایر، چاد، سودان و نیجر و تونس مشرف است. افزون بر این، ثروت بالای این کشور و نبود دولت قدرتمند در این زمینه موثر است.

به‌نوشته روزنامه الشروق الجزایر، گروه داعش در لیبی با تکیه بر دستاوردهای مادی خود که از راه قاچاق مواد مخدر، چپاول ثروت‌های نفتی به آن دست می‌یابد برای یارگیری از تبعه‌های کشورهای گوناگون استفاده می‌کند و با سوءاستفاده از شرایط ناگوار اجتماعی و اقتصادی این افراد را به خود جذب می‌کند.

به‌گزارش روزنامه العرب چاپ لندن، مجموعه‌ای از عوامل سبب شده است تا گروه داعش در لیبی گسترش پیدا کند مسائلی مانند وجود ۲ دولت، ارتش و پارلمان موازی و اختلاف میان اعضای آن‌ها، وجود عناصر تندرو متمایل به داعش، وجود منابع مالی نظیر نفت، سرگرم بودن کشورهای همسایه مثل تونس، الجزایر، سودان و تونس به چالش‌های داخلی است. این مسائل زمینه را برای فعالیت داعش در لیبی فراهم کرد.

روزنامه وال استریت ژورنال، شمار عناصر داعش در لیبی را ۵ هزار تن بر آورده کرده است.

تحلیل‌گران دور از ذهن نمی‌دانند که داعش به منطقه هلال نفتی لیبی یورش برد. این گروه دستیابی به نفت را یکی از مهم‌ترین منابع تأمین مالی خود در سوریه و عراق می‌داند و برای تکرار چنین کاری در لیبی هم تلاش می‌کند.

به‌نوشته روزنامه العرب، ریچارد هاینبرگ پژوهشگر امریکائی گفته است لیبی از نظر راهبردی برای داعش که به‌دنبال تولیدات نفتی است کم اهمیت‌تر از عراق و سوریه نیست. بنابراین داعش در لیبی برای دستیابی به منابع نفتی همان رویکردی را به کار می‌برد که پیش از این تأسیسات نفتی عراق به‌کار بست.

داعش در دو شهر سرت و درنه حضور قوی‌تری نسبت به سایر مناطق لیبی دارد. برای بررسی حضور داعش در سرت، باید به مراحل عقب‌تر تاریخ جدید لیبی و به زمان اعتراضات مردمی بازگشت. هسته‌های سلفی جهادی در سرت ابتداء تحت نام «انصار الشریعه لیبی» از دو باب به این شهر نفوذ کردند: باب اول: تأمین امنیت شهر و باب دوم انجام امور انسان‌دوستانه و اجتماعی و ارائه خدمات اساسی به مردم شهری که همچنان از پیامدها و آثار درگیری‌های قذافی رنج می‌بردند.

فعالیت‌های اجتماعی انصار الشریعه در سرت و پیدا کردن وجهه قابل قبول نزد بخشی از مردم این شهر، فضائی برای آن‌ها فراهم آورد تا با مردم و جوانان ارتباط گرفته و آن‌ها را جذب نمایند. به‌ویژه جوانانی که احساس شکست از نیروهای متخاصم می‌نمودند و دنبال انتقام گرفتن از نیروهای مخالف خود بودند. مسأله دیگری که به قبول انصار الشریعه در سرت کمک کرد، این بود که این گروه در شعارهای خود به اعتراضات مردمی تکیه نکرده و محور تبلیغات

خود را بر خطاب دینی جهادی که فراتر از مسائل داخلی است، قرار دادند. همچنین انصار الشریعه آن قدر که به وضع کنونی شهروندان سرت در عدم تعارضشان با شریعت توجه می‌نمود، بر تمایلات سیاسی و یا تاریخ قبل از انقلاب آن‌ها اهتمام نداشت.

این مسأله به جایی رسید که چهره‌های معروف نظام سابق از طریق اعلان توبه و بیعت با انصار الشریعه توانستند با آزادی کامل به عرصه بازگشته و اقدام به فعالیت کنند. اظهارات احمد قذافی دم پسر عموی قذافی و از ارکان نظام سابق در حمایت از داعش موید این مطلب است.

در مقابل جریان‌های جهادی لیبی که امروز تحت پرچم داعش هستند به دنبال يك بستر قبیله‌ای و مردمی برای ایجاد جای پا با هدف تمرکز، سازماندهی و جذب عناصر جدید بودند که پیوندشان با عناصر قذافی این امکان را برای آن‌ها فراهم کرده است.

اشترک منافع داعش و هواداران قذافی به اضافه فضای خالی امنیتی ایجاد شده پس از سقوط نظام در لیبی، باعث گردید تا شهر سرت، زادگاه قذافی به مکانی مستعد برای ایجاد و رشد داعش در لیبی تبدیل گردد.

از بعد زمانی و پس از شکل‌گیری ائتلاف هواداران قذافی- انصار الشریعه در سرت، حلقه دوم داعش با مهاجرت تعدادی از نیروهای سلفی جهادی از کشور مالی به لیبی (پس از دخالت نظامی فرانسه) و استقبال از آن‌ها در سرت و ایجاد پوشش‌های لازم ایجاد شد. حلقه سوم نیز با پیوستن تعدادی از عناصر جهادی از الجزایر، سودان و تونس کامل گردید.

شهر دیگری که داعش در آن حضور جدی دارد، شهر درنه است. درنه در ۲۵۰ کیلومتری شهر بنغازی سابقه طولانی در اقدامات شبه نظامی دارد و این موضوع حتی به پیش از سقوط قذافی در سال ۲۰۱۱ باز می‌گردد. تبدیل درنه به پایگاه افراطگرایی و تروریسم نتیجه اشاعه و رسوخ اندیشه‌های سلفی جهادی در دهه‌های گذشته بوده است. تا سال ۲۰۱۲ درنه کاملاً از کنترل دولت طرابلس خارج شده بود و در اختیار تعدادی از گروه‌های مسلح بود. در کنار نبود دولت مرکزی، باز بودن مرزها جهت ورود هزاران تروریست اسلامی برای گذراندن دوره‌های نظامی در پایگاه‌هایی که در لیبی احداث شده بود و سپس اعزام به سوریه، زمینه اشاعه بیش از پیش اندیشه‌های افراط‌گرایانه را در لیبی و از جمله درنه فراهم کرد.

به غیر از دو شهر یاد شده، داعش در برخی مناطق چون بنغازی و طرابلس نیز به صورت پراکنده حضور دارد.



در اواخر اکتبر ۲۰۱۱، جهانیان شاهد سرنگونی دولت لیبی توسط یورش وحشیانه ناتو بود. امریکا با گرفتن جواز «منطقه هوایی پرواز ممنوع» از شورای امنیت سازمان ملل متحد در مجموع، طی بیش از ۱۰۰۰۰ مورد حمله هوایی، یک کشور آفریقائی را عملاً به یک کشور ویران، ورشکسته، ناامن وجولانگاه و حوش داعش و القاعده و تروریست‌های وحشی تبدیل کرد.

جهدی‌ها لیبی را به دلایل زیر مناسب‌ترین مکان برای ادامه مبارزات خود می‌دانند: ۱. دارا بودن ساحل دوهزار کیلومتری با مدیترانه، ۲. مناطق کوهستانی و جنگلی در شرق لیبی برای استقرار، آموزش و در امان ماندن از عملیات هوایی مخالفان، ۳. اتصال صحرائ لیبی به صحرائ آفریقا و همسایگی آن با شش کشور آفریقائی، ۴. غنی بودن کشور به لحاظ نفت و منابع معدنی، ۵. سابقه لیبی در پرورش و عضویت افراد سرشناس در القاعده و گروه‌های مسلح اسلامی و ... در شرایط کنونی محیط لیبی قابلیت تجمع، زیست و تکثیر را به مذهبی‌های مغرب عربی و خارجی‌ها می‌دهد. مجلس شورای جوانان اسلام (مجلس شورای شباب الاسلام) در شهر درنه، شاخه درنه انصار الشریعه، شاخه سرت انصار الشریعه، و مجلس شورای مجاهدین درنه از گروه‌های مهم هستند که به داعش پیوسته‌اند.

توجه به روند شکل‌گیری و قدرت‌یابی گروه‌های تروریستی نظیر القاعده نشان می‌دهد که آن‌ها در محیطی امکان رشد و نمو دارند که دارای سه ویژگی باشد: ۱. خلاء امنیتی وجود داشته باشد. ۲. درگیر بحران‌های اساسی و اجتماعی باشد، ۳. مردم بی‌سواد یا کم‌سواد باشند. با از بین رفتن این شرایط هم امکان ادامه حیات آن‌ها به لحاظ امنیتی دشوار می‌گردد و هم زمینه اجتماعی لازم برای عضوگیری این جریان‌ها از بین می‌رود. بنابر این ادامه حیات آن‌ها در لیبی منوط به شرایط آینده لیبی خواهد بود. یعنی هر چه به توان دولت افزوده گردد از توان داعش و گروه‌های تروریستی کاسته خواهد شد.

حال سؤال این است که چرا ترکیه و داعش از هم دل نمی‌کنند؟ اگر ببینیم که ترکیه در سودای احیای امپراتوری عثمانی بر اساس کتاب «عمق استراتژیک» داوود اوغلو است، داعش به مثابه جاده صاف‌کن ترک‌ها خواهد بود. تجاوز نظامی ترکیه به سوریه، و اظهارات جنگ‌طلبانه و مداوم سران ترکیه، دوباره این سؤال که چرا داعش، آسیبی به ترکیه وارد نمی‌سازد را برجسته کرده است.

چرا داعش در حالی که در لیبی مانور می‌دهد و برخی از مناطق آن را به اشغال خود درآورده و گروه‌های متعددی از جمله جند الخلفه در الجزایر و انصار بیت‌المقدس در مصر با آن بیعت کرده‌اند و عملاً در مناطق گسترده‌ای، حضور فیزیکی دارد، به ترکیه که بسیار به او نزدیک است، حمله نمی‌کند؟ چرا داعش برای عربستانی که از لحاظ ظواهر دین‌داری مقید است، خط و نشان می‌کشد و از فتح مکه سخن می‌گوید اما نسبت به ترکیه‌ای که سکولاریسم در متن قانون اساسی آن بوده و از لحاظ ظواهر شرعی فضائی باز داشته و لائیک‌ها همچنان در آن قدرت‌مند هستند، تهدیدی مطرح نمی‌کند؟ چرا داعشی که علاوه بر سنی‌کشی، به جرم علوی و شیعه بودن سر می‌برد، نسبت به حضور هزاران شیعه و علوی در ترکیه بی‌تفاوت است و تا کنون خطری جدی برای آن‌ها ایجاد نکرده؟ چرا ... واقعیت این است که داعش و ترکیه به‌صورت متقابل به یکدیگر نفع می‌رسانند و برهم زدن این رابطه دوسویه، هر دو را متضرر می‌کند.

داعش بدون کمک‌های ترکیه نمی‌توانست به‌شکل کنونی در سوریه جولان بدهد. مرزهای باز ترکیه بر روی هزاران تروریست که از کشورهای مختلف خود را به ترکیه می‌رسانند تا به داعش در سوریه ملحق شوند، بزرگترین خدمتی است که ترک‌ها به داعش می‌کنند. اگر چه این مسأله از سوی دولت ترکیه تکذیب شده اما گزارش‌های متعددی در رد

این تکذیبیه منتشر شده است. مقامات غربی نیز چندین بار به این مسأله اعتراف کرده‌اند. علاوه بر این گفته می‌شود که ترکیه اصلی‌ترین خریدار نفت داعش است.

داعش هم خدمات قابل‌توجهی به ترکیه ارائه می‌دهد. داعش اصلی‌ترین گروه تروریستی در سوریه است که سناریوی ادامه بحران را قطعی می‌سازد. در عراق نیز، حضور داعش باعث تضعیف دولت عراق شده و مانع از نقش‌آفرینی منطقه‌ای این کشور شده است.

ترکیه و داعش از یکدیگر استفاده ابزاری می‌کنند تا به منافع خود دست یابند. شرط ادامه این روابط، سوددهی این دو به یکدیگر است و شرط سوددهی، ادامه یافتن بحران‌های کنونی در منطقه است. روزی که بحران پایان یابد، بازی داعش و ترکیه شکل دیگری خواهد داشت.

اکنون جنگ در موصل ادامه دارد. موصل دومین شهر بزرگ عراق که در شمال این کشور قرار دارد، مرکز اداری استان نینوا است.

بیش‌تر جمعیت موصل را کرد ها تشکیل می‌دهند. عرب‌ها، مسیحیان و ترکمن‌ها دیگر ساکنان این شهر هستند. جمعیت این شهر در سال ۲۰۰۸ میلادی بالغ بر یک میلیون و ۸۰۰ هزار نفر بود.

نیروهای داعش در خرداد ماه ۱۳۹۳، با پنج هزار نفر از افراد مسلح خود به طور کامل شهر موصل را به تصرف درآوردند و همه شهر را در اختیار گرفتند.

این در حالی است که قبل از این آمار تنها سه هزار نفر از نیروهای داعش در شهر مستقر بودند که دو هزار و پانصد نفر آن‌ها از خارج از این استان آمده بودند.

بر اساس اعلام برخی سایت‌های خبری، داعش برخی انبارهای مهمات و اسلحه استان الانبار، مراکز امنیتی و نظامی و ساختمان شعبه‌ای از بانک مرکزی در منطقه الدواسه را تصاحب کرده و با حمله به انبارهای سلاح ارتش عراق در این منطقه، انواع سلاح‌های سنگین از جمله بالگردها و خودروهای زرهی و تانک‌ها را به غارت برده است.

داعش پس از تسلط بر شهر رقه سوریه قوانینی را وضع کرد که عدول از آن‌ها مستوجب مجازات سنگین است. برخی از این قوانین به شرح زیر است :

۱- پوشیدن شلوار جین (برای زنان)

۲- پوشیدن شلوار جین توسط مردان کمر باریک

۳- کوتاه کردن مو

۴- نمایش لباس‌های زنانه در ویترین و کار کردن مردان در فروشگاه لباس زنانه

۵- ورود مردان به مغازه های لباس خیاطی زنانه

۶- تبلیغ آرایشگاه های زنانه

۷- استفاده از کلمه داعش

۸- مراجعه زنان به پزشک مرد

۹- شانه کردن موی سر و صورت (برای مردان)

۱۰- کشیدن سیگار و قلیان

۱۱- نشستن زنان بر صندلی

مردم رقه نیز برای این که این مجازات‌ها گریبانشان را نگیرد، به‌جز در موارد ضروری از خانه خارج نمی‌شوند.



موقعیت داعش در موصل هر روز دشوارتر و راه گریز برای اعضای این گروه تروریستی از شهر موصل که حال بخش‌های زیادی از آن در کنترل نیروهای عراقی است، تنگتر می‌شود.

از طرف دیگر اوضاع در روزهای پایانی اشغال موصل توسط داعش به شدت متشنج اعلام شده است. خیرگزاری المان گفته است که اعضای داعش خانه‌ها، مغازه‌ها و اتوموبیل‌ها را به آتش می‌کشیدند تا با ایجاد دود جلوی شناسائی‌های هوائی را بگیرند. ساکنان محل گفته‌اند، آن‌ها را مجبور کرده‌اند با اتوموبیل‌هایشان خیابان‌ها را مسدود کنند و مانع از پیشروی خودروهای نظامی ارتش شوند.

گمان می‌رود که شمار اعضای داعش در موصل به چندین هزار نفر برسد که بسیاری از آن‌ها از شهروندان کشورهای غربی هستند. آن‌ها با تکثیراندازی، عملیات انتحاری، مین‌گذاری و پرتاب نارنجک و خمپاره در برابر حدود صد هزار نیروی نظامی دولتی می‌جنگند.

از آغاز عملیات نیروهای عراقی علیه داعش برای آزادسازی غرب موصل، صدها هزار غیرنظامی از این منطقه گریخته‌اند.

یک جنرال ارتش آمریکا اقرار کرده است که نیروهای ائتلاف ضد داعش «احتمالاً» در حمله هوائی روز ۱۷ مارس ۲۰۱۷ در غرب موصل، که می‌تواند باعث مرگ بیش از ۱۰۰ نفر شده باشد نقش داشته‌اند.

استفان تانزند گفت که آمریکا در آن روز حملاتی هوائی در این بخش از عراق انجام داد. او گفت که «دست کم شناس قابل توجهی» وجود دارد که آمریکا مسؤول آن «واقعه ناخواسته در جنگ» باشد.

اما او گفت همچنین ممکن است که گروه موسوم به دولت اسلامی (داعش) ساختمان محل انفجار را بمب‌گذاری کرده باشد.

بنابه گزارش‌ها در آن تاریخ خانه‌ای در محله جدید در غرب موصل هدف حمله‌ای هوائی قرار گرفت. علت آن حمله هوائی حضور تک تیراندازان و تجهیزات داعش اعلام شد.

شاهدان عینی گفتند که داعش قبلاً حداقل ۱۴۰ غیرنظامی را به داخل این خانه برده بود تا به‌عنوان سپر انسانی استفاده کند و ساختمان را بمب‌گذاری کرده بود.

رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا هم که درحال بازدید از بغداد است دیدگاه جنرال تانزند را منعکس کرد و گفت که تحقیقات «تا حدودی باعث رفع ابهام خواهد شد.»



ارتش عراق این مسأله را که مرگ غیرنظامیان در اثر حمله هوایی ائتلاف بوده را رد می‌کند و می‌گوید «نشانه‌ای» از حمله هوایی نیافته، بلکه آثار انفجار یک وسیله نقلیه در محل به جا مانده است.

سازمان عفو بین‌الملل روز دوشنبه ۲۷ مارس، در گزارشی گفت به‌نظر می‌رسد ائتلاف تحت رهبری امریکا در برداشتن گام‌های احتیاطی لازم برای جلوگیری از مرگ غیرنظامیان در جریان نبرد موصل به‌خوبی عمل نکرده است. این گروه شواهدی یافته که به «روندی نگران‌کننده» از حملات هوایی در شهر موصل عراق اشاره دارد به طوری که «خانه‌هایی را که اعضای کامل خانواده‌ها در آن بودند» ویران کرده‌اند.

رئیس حقوق بشر سازمان ملل به همین دلیل خواستار بازبینی تاکتیک‌های مورد استفاده ائتلاف شده است. زید رعد حسین، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل، گفت که اجساد مردم در خانه‌هایی که گزارش شده بود داعش غیرنظامیان را در آن‌ها به‌عنوان سیر انسانی اسیر کرده بود و بعداً هدف حملات هوایی قرار گرفت کشف شده است.

او ائتلاف را ترغیب کرد از این «تله» پرهیز کند و قوانین بین‌المللی را مراعات کند.

جنرال تانزند گفت: «هرچند شرکای ما و ائتلاف مرتکب اشتباهاتی شده‌اند که به غیرنظامیان آسیب رسانده اما ما هرگز و حتی یکبار هم غیرنظامیان را هدف نگرفته‌ایم.»

نبرد برای پایان اشغال موصل از سوی داعش پنج ماه پیش شروع شد و نواحی شرقی آن در این فاصله آزاد شده است. اما غرب موصل صحنه نبردهای خیابانی است.

بیش از ۲۸۶ هزار غیرنظامی در جریان نبردها از شهر گریختند اما خیلی‌ها به توصیه دولت در خانه‌هایشان مانده‌اند. براساس اطلاعاتی که به تأیید سازمان ملل رسیده از ۱۷ فوریه تا ۲۲ مارس که دولت در نیمه غربی موصل عملیات انجام داد حداقل ۳۰۷ نفر کشته و ۲۷۳ نفر دیگر زخمی شده‌اند.



شکست در موصل ضربه تعیین‌کننده‌ای بر پیکر گروه تروریستی داعش خواهد بود. ابوبکر بغدادی سرکرده داعش در سال ۲۰۱۴ میلادی در مسجد بزرگی در این شهر اعلام خلافت کرد و موصل را مرکز این خلافت در عراق خواند. با این حال در شرایط فعلی به نظر می‌رسد البغدادی ۴۶ ساله اگر از حملات اخیر نیروهای عراقی بتواند جان سالم به در

برد، باید به فکر اعلام پایان خلافت خودخوانده خود در بزرگترین شهر غربی عراق باشد که طی دو سال گذشته با کشتار غیرانسانی بسیاری از شهروندان غیرنظامی عراق آن را در اشغال خود قرار داده بود.

«عمار حسین» یکی از شبه‌نظامیان داعش که به اسارت نیروهای نظامی کردستان عراق موسوم به نیروهای پیشمرگه درآمده، می‌گوید به بیش از ۲۰۰ زن از اقلیت ایزدی تجاوز کرده است. او این مسأله را اقدامی «عادی» توصیف کرده و هیچ پشیمانی در این باره از خود نشان نمی‌دهد.

خبرگزاری رویترز در گزارشی نوشته است که مقام‌های سازمان اطلاعات عراق، به این خبرگزاری، فرصتی نادر برای مصاحبه با «عمار حسین» و یکی دیگر از شبه‌نظامیان داعش داد که در اسارت به سر می‌برند. این دو ماه اکتبر گذشته در جریان حمله‌ای به شهر کرکوک اسیر شدند که طی آن ۹۹ غیرنظامی و نیروی امنیتی کشته شدند. در مقابل ۶۳ تن از شبه‌نظامیان داعش هم در این حمله کشته شدند.

«عمار حسین» می‌گوید که امرا و فرماندهان داعش که صلاحیت فتوا دادن را دارند، به او و تعدادی دیگر از شبه‌نظامیان اجازه تجاوز به هر شمار از زنان ایزدی و دیگر زنان را دادند.

او می‌افزاید: «به من گفتند که جوان هستی و این مسأله‌ای طبیعی است.»

مسئولان امنیتی کرد می‌گویند که دلایل و اسنادی از دست داشتن «عمار حسین» در عملیات تجاوز و کشتار در دست دارند اما هنوز اطلاعی از میزان گستردگی آن ندارند.

شاهدان عینی و مسئولان عراقی می‌گویند که شبه‌نظامیان داعش پس از تصرف مناطق وسیعی از شمال عراق در سال ۲۰۱۴، به شمار زیادی از زنان اقلیت ایزدی تجاوز جنسی کرده و آن‌ها را به بردگی گرفتند. بسیاری از بستگان مذکر این زنان هم کشته شدند.

گروه‌های حقوقی هم موارد بسیاری از تجاوز به زنان ایزدی را مستند کرده‌اند.



«عمار حسین» همچنین می‌گوید که از زمان پیوستن به داعش در سال ۲۰۱۳، دست‌کم ۵۰۰ تن را کشته است. او توضیح می‌دهد چگونه فرماندهان داعش به او روش کشتن را آموزش داده‌اند؛ مسأله‌ای که می‌گوید ابتداء دشوار بود اما روز به روز، آسان شد.

«عمار حسین» می‌گوید: «هر بار ۳۰ تا ۴۰ نفر را پشت قلعه سنجار در صحرا می‌بردیم و می‌کشتیم»؛ و بدین ترتیب او در کشتار با تجربه شد و دیگر تردیدی به خود راه نمی‌داد.

او ادامه می‌دهد: «روی زمین می‌نشاندمشان و چشم‌هایشان را می‌بستم، سپس به سرشان شلیک می‌کردم. مسأله‌ای طبیعی بود و مشکلی هم نبود.»

یکی از افسران دستگاه مبارزه با تروریسم کردستان عراق گفت: «عمار حسین پس از دستگیری، ابتداء برای ما مشکل ساز شد. او بسیار نیرومند بود به گونه‌ای که دستبندهایش را شکست.»

«عمار حسین» خود را قربانی دشواری‌های زندگی و خانه‌ای از هم فروپاشیده در نتیجه فقر در شهر موصل می‌داند. او در این باره می‌گوید: «وضعیت مادی ما بسیار ضعیف بود. نه خانه درستی داشتیم نه کسی بود تا نصیحت کند. پدرم فوت کرده. مادرم ازدواج کرده و من و مادربزرگم در یک خانه زندگی می‌کردیم.»

«عمار حسین» ۲۱ ساله می‌گوید که از ۱۴ سالگی به تندوری جذب شده. عامل آن هم امام جماعت یک مسجد محلی بود که در آن نماز می‌خواند. آنجا بود که به گروه القاعده پیوست. هم‌کنون هم در انتظار اقدام‌های قانونی است که به خاطر عضویتش در داعش و اقدام‌هایی که انجام داده، علیه‌اش اتخاذ خواهد شد.

«غفار عبدالرحمن» (۳۱ ساله) یکی دیگر از اسرای داعش است که خبرگزاری رویترز موفق به دیدار با آن‌ها شده. او اما چیز زیادی درباره فعالیت‌هایش نمی‌گوید. مسئولان امنیتی کرد هم می‌گویند که «غفار عبدالرحمن» در بازجویی‌ها، اطلاعات چندانی ارائه نکرده فقط گفته که در یکی از ایست‌های بازرسی مأموریت پاسبانی داشته و در تهیه مواد غذایی برای داعش هم نقش داشته است.

«غفار عبدالرحمن» می‌گوید که در حمله به کرکوک، به سمت نیروهای امنیتی آتش گشوده اما تأکید می‌کند هرگز کسی را نکشته است. او می‌افزاید به همراه برادرش مجبور به پیوستن به داعش شدند چون کارمند دولت بودند و اگر این اقدام را انجام نمی‌دادند، اعدام می‌شدند.

مقام‌های کرد درباره داستان او اظهار نظر نکردند اما مسئولان امنیتی عراقی نسبت به کسانی هم که می‌گویند مجبور به پیوستن به داعش بودند، تشکیک می‌کنند.

روابط آنکارا و برلین به دنبال دستگیری یک روزنامه‌نگار ترک تبار المانی در استانبول و لغو برنامه سخنرانی دو وزیر ترکیه در جمع ترک تبارهای مقیم المان، به یک‌باره پرتنش و تیره و تار شد.

یکی از روزنامه‌های دولتی ترکیه در تازه‌ترین شماره خود با حمله شدیدالحن به آنگلا مرکل، صدراعظم المان، او را به شکل آدولف هیتلر به تصویر کشید.

به گزارش خبرگزاری فرانسه از برلین، در پی آن‌که رجب طیب اردوخان رئیس‌جمهور ترکیه آنگلا مرکل صدراعظم المان را به توسل به روش نازی‌ها متهم کرد، برلین نیز اعلام کرد اردوخان از حد خود فراتر رفته است.

اردوخان پیش‌تر گفته بود که رفتار پولیس المان در جلوگیری از برگزاری گردهمایی‌های هواداران دولت ترکیه در شهرهای المان یادآور رفتار دولت نازی آدولف هیتلر است.



پوسترهای عبدالله اوجالان را آزاد کنید در میان تظاهرات کنندگان فراوان دیده می‌شد

در فرانکفورت المان حدود ۳۰ هزار کرد در تجمعی علیه رجب طیب اردوخان، رئیس جمهوری ترکیه و دولت او شعار دادند.

روز شنبه ۱۸ مارس ۲۰۱۷ - ۲۸ اسفند ۱۳۹۵، کردها برای حضور در این تجمع بزرگ از شهرهای مختلف المان به فرانکفورت سفر کردند. در این تظاهرات که همزمان با جشن‌های نوروزی کردها برگزار شد پلاکاردهای حمایتی فراوانی دیده شد که نام حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) روی آن‌ها نوشته شده بود. به گزارش بی‌بی‌سی تظاهرات کنندگان که شعار دموکراسی برای ترکیه سر داده بودند از مردم ترکیه دعوت می‌کردند در همه‌پرسی ماه آینده این کشور، به اصلاحات قانون اساسی که دولت اردوخان در پی تحقق آن است «نه» بگویند. در همین حال، ترکیه مجوز دادن به این تجمع را نشانی از «ریاکاری» دولت المان ارزیابی کرده و آن را «غیرقابل قبول» خوانده است.

روز شنبه و در پی برگزاری این راهپیمایی بزرگ در فرانکفورت، ابراهیم گلین، سخن‌گوی رجب طیب اردوخان طی بیانیه‌ای گفت: «این غیرقابل قبول است که همه جا نشان پ.ک.ک. برافراشته شود در حالی که وزرای دولت ترکیه اجازه دیدار با شهروندان‌شان را در این شهرها ندارند. تصمیم درباره سرنوشت همه‌پرسی ماه آوریل، باید توسط ملت ترکیه گرفته شود نه کشورهای اروپایی دیگر.»

آنکارا روز یکشنبه ۱۹ مارس ۲۰۱۷، در اعتراض به راهپیمایی کردها در المان، سفیر این کشور را احضار کرد. روز گذشته هزاران نفر از کردهای مقیم المان با برپایی تظاهراتی در شهر فرانکفورت علیه سیاست‌های رجب طیب اردوخان، رئیس جمهور ترکیه اعتراض کردند.



بین سران هالند و ترکیه نیز درگیری‌های لفظی شدیدی در جریان است. «اردوخان گاوهای هالندی را هم اخراج کرد!» به گزارش روزنامه حریت، رئیس انجمن تولیدکنندگان گوشت قرمز ترکیه اعلام کرد: ۴۰ گاو هلشتاین به این کشور بازگردانده شد.

او افزود: اگرچه این گاوها در کشور ما بسیار مورد استفاده هستند اما این گونه گاوها شروع به ایجاد مشکلات جدی کرده‌اند. ما تولیدات حیوانی از هالند نمی‌خواهیم. ترکیه به دنبال تمرکز بر گوشت گاوهای خود است. گوشت گاوهای ما از کیفیت بهتری برخوردار است!

جان دوندار، سردبیر ۵۵ ساله روزنامه «جمهوریت» در مه سال ۲۰۱۶، به اتهام «جاسوسی» به پنج سال زندان محکوم شد. یک ماه بعد اما موفق شد از ترکیه بگریزد و به المان پناهنده شود. روزنامه «تاگس اشپیگل» (چاپ برلین)، با این روزنامه‌نگار سکولار و از مدافعان آزادی بیان گفت‌وگو کرده است. در بخشی از این گفت‌وگو را می‌خوانیم:

پرسش: بعد از بازداشت عده‌ای از اعضای تحریریه «جمهوریت»، در طی هفته‌های گذشته چندین سیاستمدار ترکیه‌ای مدافع حقوق کردها که عضو حزب دموکراتیک خلق‌ها (اچ دی پی) هستند نیز بازداشت شده‌اند. در ترکیه چه اتفاقی افتاده؟

پاسخ: یک کودتای تمام‌عیار دارد اتفاق می‌افتد: کودتای اردوخن. در این کودتای دوم هم مثل کودتای ۱۵ ژوئیه پارلمان ترکیه یک بار دیگر بمباران می‌شود، منتها این‌بار با احکام جلب که به فرموده اردوخن صادر شده. من تفاوتی نمی‌بینم بین آنچه که در ژوئیه اتفاق افتاد و آنچه که این روزها اتفاق می‌افتد. این اقدامات با این هدف انجام می‌شود که فقط یک نفر بر ترکیه حکومت کند.

پرسش: آیا شما از آنچه که در ترکیه اتفاق می‌افتد غافلگیر شده‌اید؟

پاسخ: نه. ما می‌دانیم که اردوخن، رئیس جمهوری است که هدفش دستیابی به یک حکومت توتالیتر است و به همین جهت هم صدای معترضان را تحمل نمی‌کند. روزنامه «جمهوریت» یکی از سنگرهای مقاومت بود و می‌دانستیم که تحمل‌مان نخواهند کرد. خودمان را هم برای این تهاجم آماده کرده بودیم. به همین جهت، با وجود آن‌که عده‌ای از اعضای تحریریه بازداشت شده‌اند، «جمهوریت» همچنان منتشر می‌شود. جای روزنامه‌نگاران بازداشت شده را روزنامه‌نگاران تازه‌نفس پر کردند.

پرسش: آیا می‌توانید توضیح دهید که چگونه سرکوب آزادی بیان در ترکیه اتفاق افتاد؟

پاسخ: ما از دیر باز نگران آزادی بیان و بیش از آن، نگران وضع روزنامه‌نگاران در ترکیه بودیم. اما متأسفانه موفق نشدیم در برابر حکومت، جبهه‌ای از آزادی‌خواهان را تشکیل دهیم. همچنین نتوانستیم وضعیت بحرانی‌مان را به خوبی برای اروپا توضیح دهیم. گروهی از روزنامه‌نگاران بازداشت شده «جمهوریت» به طرفداری از عبدالله گولن و عده‌ای هم به هواداری از پ.ک.ک متهم شده‌اند. روزنامه «جمهوریت» در ۴۰ سال گذشته همواره گزارش‌هایی انتقادی پیرامون نهضت گولن منتشر کرده است. وقتی ما خطرات این نهضت را آشکار می‌کردیم، اردوخن دست در دست گولن گذاشته بود و با نهضت او همکاری می‌کرد. رجب طیب اردوخن خودش مهم‌ترین هوادار و پشتیبان عبدالله گولن بوده است.

پرسش: آیا اصلا رسانه‌ای انتقادی در ترکیه باقی مانده است؟

پاسخ: بیش از دو – سه روزنامه و یک شبکه تلویزیونی باقی نمانده که حکومت به زودی سراغ آن‌ها هم می‌رود. بازداشت و سرکوب روزنامه‌نگاران «جمهوریت» به این دلیل غافلگیرکننده بود که حزب عدالت و توسعه همواره از روزنامه «جمهوریت» به‌عنوان مصداقی برای آزادی بیان در ترکیه یاد می‌کرد. اردوخن دیگر نیازی ندارد به این‌که به جهانیان چیزی را ثابت کند. او گمان می‌کند به اندازه کافی از پشتیبانی اروپا برخوردار است.

پرسش: ترکیه به کدام سو می‌رود؟

پاسخ: بگذارید جوری بیان کنم که همگان متوجه شوند: ترکیه به سمت حکومت مأموران گشتاپو می‌رود. دیر نیست روزی که بدون دخالت دادن پارلمان، به خانه دگراندیشان، روشنفکران و سیاستمداران مخالف یورش ببرند. استادان دانشگاه را از دانشگاه‌ها اخراج می‌کنند و هنرمندان را بازداشت خواهند کرد. اتهامات همه این اشخاص هم شبیه هم خواهد بود و سرانجام همه صداهای مخالف را خاموش می‌کنند.

پرسش: آیا ممکن است دادستان علیه اعضای حزب «جمهوریت خلق ترکیه» (سی اچ پی) هم اتهاماتی را مطرح کند؟

پاسخ: طبعاً. این خاصیت یک حکومت توتالیتر است که اپوزیسیون و مخالفانش را از کار بیندازد. ممکن است حتی بعضی از اعضای «عدالت و توسعه»، هر آینه که مخالفتی ابراز کنند نیز بازداشت شوند. در بین آن‌ها ممکن است یک وزیر مستعفی یا یک رئیس دولت پیشین هم باشد.

پرسش: اردوخان تلاش می‌کند لایحه مجازات اعدام را توسط پارلمان ترکیه به تصویب برساند. هدف او چیست؟

پاسخ: هر حکومت اقتدارگرایی در آرزوی مجازات اعدام است. هدف ایجاد ترس و وحشت است. اردوخان خواسته‌های (حقوق بشری) اتحادیه اروپا را دیگر در نظر نمی‌گیرد. هدف او این است که حکومت اقتدارگرایانه‌اش را تثبیت کند.

...

پرسش: سیاستمداران مایل نیستند با انتقاد آشکار از اردوخان، توافقنامه اتحادیه اروپا و ترکیه درباره پناهجویان را به خطر بیندازند. نظر شما چیست؟

پاسخ: این‌که این توافقنامه سر از زباله‌دانی درآورد یا اتحادیه اروپا همچنان از اردوخان جانبداری کند، هیچ اهمیتی ندارد. تنها چیزی که در این لحظه برایم مهم است، این است که کشورم را از فاشیسم حفظ کنم. تا آخرین لحظه هم مبارزه می‌کنم. اگر اتحادیه اروپا بخواهد مانع ما بشود، طبعاً مقابل اتحادیه اروپا هم می‌ایستیم. چاره دیگری نداریم. در چنین شرایطی و در پی افزایش تنش‌ها میان ترکیه و کشورهای اروپایی، آنکارا برخی همکاری‌ها با ناتو را متوقف کرد.

منابع خبری اعلام کردند که آنکارا برخی از همکاری‌های نظامی با سازمان پیمان آتلانتیک شمالی «ناتو» را در پی افزایش تنش‌ها با دولت‌های اروپایی، متوقف کرده است.

خبرگزاری «رویترز» به نقل از برخی منابع و مقامات که نام آن‌ها را فاش نکرد، نوشت ترکیه برنامه همکاری ۲۰۱۷ ناتو با کشورهای غیر اروپایی شامل مراسمات سیاسی، پروژه‌های اجتماعی و تمرینات نظامی را متوقف کرده است.

این منبع، ضمن ابراز تأسف از تنش‌های اخیر میان ترکیه با برخی کشورهای اروپایی و تأثیر آن روی همکاری‌های ناتو با اعضایش، گفت: «روی ترکیه و ارتیش بعنوان شرکایمان برای حل کردن سریع اختلافاتشان حساب می‌کنیم.»

یک دیپلمات ارشد در ناتو تأکید کرد هرچه این تنش‌ها مدت زمان بیشتری ادامه یابد، میزان برنامه‌های لغو شده و مراسمات به تعویق افتاده میان ناتو و ترکیه بیشتر خواهد شد و این به معنی مشکلات مضاعف است.

آنکارا در هفته‌های اخیر شاهد تنش‌های وخیمی با کشورهای اروپایی مانند المان و هالند بر سر سخنرانی وزیرانش جهت جمع‌آوری رای «بله» برای رفراندوم تغییر قانون اساسی در جمع اتباع ترک در کشورهای مذکور است.

مخالفت دولت‌های اروپائی با برگزاری سخنرانی و تجمعات تبلیغاتی مقامات ترکیه در کشورهايشان برای جمع کردن رای مثبت به تغییر قانون اساسی در همه‌پرسی ۲۷ فروردین، باعث عصبانیت بیش‌از حد آنکارا شده به‌گونه‌ای که حتی اروپا را تهدید به تحریم می‌کنند.

یکی از مواضع طنزآمیز اردوخان خطاب به ترک‌های مقیم اروپا است. رجب طیب اردوخان، روز جمعه ۱۷ مارس، شهروندان ترک مقیم اروپا را به داشتن دستکم پنج فرزند ترغیب کرده و به آن‌ها گفته است: «شما آینده اروپا هستید.» به‌گزارش رادیو فرانسه، اردوخان روز جمعه در یک سخنرانی در شهر «اسکی شهیر» در مرکز ترکیه، گفته است: «از این‌جا می‌گویم، شهروندان من، خواهران و برادران در اروپا، بچه‌هایتان را به بهترین مدارس بفرستید، مطمئن شوید که خانواده‌هایتان در بهترین محله‌ها زندگی بکنند، بهترین ماشین‌ها را سوار بشوید و در بهترین خانه‌ها زندگی بکنید.» اردوخان تأکید کرده است: «محلی که شما در آن زندگی و کار می‌کنید، اکنون میهن شما است، سرزمین مادری تازه.»

او اضافه کرده است: «پنج بیاورید نه سه تا. شما آینده اروپا هستید.»

رئیس جمهوری ترکیه اضافه کرده است: «این بهترین پاسخ به بی‌ادبی‌ها نسبت به شماست.» به گزارش خبرگزاری فرانسه، در حدود دو میلیون و نیم شهروند ترک واجد شرایط رای در ترکیه در اروپا زندگی می‌کنند. علاوه بر این تعداد، میلیون‌ها ترک تبار دیگر در کشورهای اروپائی زندگی می‌کنند. مبارزات تبلیغاتی مربوط به این رای‌گیری در هفته‌های اخیر موجب بروز تنش‌های شدید در روابط دیپلماتیک میان ترکیه و اروپا گردید.

مبارزات برای جلب نظر مردم ترکیه به دادن رای مثبت به تغییرات در قانون اساسی که به‌طور بی‌سابقه‌ای به اختیارات رئیس جمهوری رجب طیب اردوخان، می‌افزاید تنش میان ترکیه و کشورهای اتحادیه اروپا به وجود آورده است.

چرا که شماری از این کشورها از کمپین وزرای ترک در گرد هم‌آئی‌های ترک‌های ساکن اروپا جلوگیری کردند. این مخالفت خشم مقامات ترک و در صدر آنان، رجب طیب اردوخان، را برانگیخت که در هر جمله خود لقب‌هایی چون نازیست‌ها به سران اروپا می‌دهد. از جمله آن‌ها، متهم کردن المان به به کار بردن روش‌های «نازی» است.

در همین حال دستگاه قضائی سوئیس به پیگرد مسؤولان تظاهراتی پرداخت که بر علیه اردوخان در روز شنبه در شهر «برن» انجام گرفت و طی آن بر روی پلاکاردی، تصویر اردوخان دیده می‌شد که تپانچه‌ای بر روی شقیقه‌اش قرار داشت. در کنار آن نوشته شده بود «اردوخان را با سلاح خودش بکشید.»

در پی این تظاهرات، اردوخان خواستار پیگرد قانونی مسؤولان سوئیس شد. اردوخان، در یک گردهم‌آئی در روز یکشنبه گذشته، به مقامات سوئیس گفت که آن‌ها آن‌چه را که کاشته‌اند درو می‌کنند.

یکی دیگر از معضلات اردوخان، همکاری دولت او و حتی فرزندانش با رضا ضراب تاجر ایرانی در دور زدن تحریم‌های ایران است. به تازگی دستگاه قضائی امریکا، یک مدیر ارشد یکی از بزرگترین بانک‌های دولتی ترکیه را به اتهام تبانی برای دور زدن تحریم‌های ایران بازداشت کرده است. به‌گزارش رسانه‌های امریکائی محمد هاکان آتیلا، معاون مدیر اجرائی هالک‌بانک ترکیه، به همدستی با رضا ضراب برای پول‌شویی صدها میلیون دالر از طریق نظام مالی امریکا به نمایندگی از طرف ایران و شرکت‌های ایرانی متهم است.

بنابه گزارش‌ها او در فرودگاه جان اف کندی نیویورک توسط مأموران اف‌بی‌آی بازداشت شد. نهاد زیبکچی وزیر اقتصاد ترکیه، در مصاحبه‌ای با بلومبرگ از نحوه بازداشت آتیلا انتقاد کرد.

او گفت: «حداقل این است که در چنین شرایطی ابتداء باید ترکیه را پیشاپیش آگاه می‌کردند» و افزود که می‌شد از این بانگذار «دعوت کرد تا برای شهادت حاضر شود.»

در اسناد دادگاه در امریکا آمده است که آتیلا «توانائی ضراب برای فراهم کردن دسترسی به شبکه‌های مالی بین‌المللی را تحت محافظت قرار داد و پنهان کرد» که شامل انتقال طلا و ارز به ایران از طریق هالک‌بانک بود و همزمان اسناد جعلی ساخته بود تا وانمود کند این معاملات شامل آنوقه بوده تا از تحریم‌ها معاف شود. رضا ضراب متولد ایران متهم است که از طریق یک شبکه بانکی در ترکیه و امارات متحده عربی، به دور زدن تحریم‌های امریکا علیه ایران کمک کرد و کوشید بانک‌های امریکائی را وارد مبادلاتی کند که ایران در آن‌ها ذی‌نفع بوده است.

ضراب در سال ۲۰۱۳ میلادی در ترکیه بازداشت شده بود. آن زمان او متهم بود که با رشوه به اعضای ارشد کابینه و مسؤولان بانکی می‌خواسته به نفع ایران مبادله بانکی انجام دهد. آن پرونده بعد از عوض شدن چند دادستان و قاضی و مأمور پولیس، بسته اعلام شد. او به دولت رجب طیب اردوخان رئیس جمهور ترکیه نزدیک توصیف می‌شود. خبرگزاری بلومبرگ امریکا می‌نویسد که اردوخان سال گذشته بازداشت ضراب را با جو بایدن معاون وقت رئیس جمهور امریکا مطرح کرده بود. او امریکا را به داشتن انگیزه‌های فراقضائی در تشکیل پرونده ضراب متهم کرد. یک روز پیش‌تر گزارش شد که رضا ضراب دو چهره شناخته شده دیگر را به تیم وکلای حقوقی خود افزوده است: رودی جولیانی شهردار سابق نیویورک و مایکل موکیزی دادستان کل سابق امریکا. دو فرد نزدیک به ترامپ مشاور حقوقی رضا ضراب شدند. قاضی خواستار توضیح نقش این دو نفر در دفاع از ضراب شده است. تحقیقات درباره ضراب و آتیلا توسط پریت بارارا داستان نیویورک هدایت می‌شد اما بارارا اخیرا از سوی دولت ترامپ برکنار شد.

به‌نوشته بلومبرگ، دولت امریکا می‌گوید که شواهدی دارد که ضراب میلیون‌ها دالر رشوه به مقام‌های دولت ترکیه و مدیران ارشد هالک‌بانک پرداخت، بانکی که ادعا می‌شود به ضراب کمک کرد آن مبالغ را بپردازد. رضا ضراب ۳۴ ساله شهروند ترکیه است. او بهار ۲۰۱۶ در ایالت فلوریدای امریکا بازداشت شد و برای حضور در دادگاه به نیویورک فرستاده شد. از آن زمان، او بدون قرار وثیقه در بازداشت به‌سر می‌برد.

بحران اقتصادی ترکیه جزئی از بحران جهانی سرمایه‌داری است که با سیاست‌های شوینیستی و فاشیستی، توسعه‌طلبانه و جنگ‌طلبانه و تروریسم حزب عدالت و توسعه تشدید شده است. تبعات این سیاست‌ها معیشت و امنیت کارگران و اکثریت مردم محروم و ستم‌دیده ترکیه را با مخاطرات جدی روبه‌رو ساخته است. اما بحران همه جانبه‌ای که دولت ترکیه با آن دست به‌گریبان است، نه تنها با تهدیدات تروریستی و نه با تعویض قانون اساسی از طریق رفیراندوم و نه با برقراری مجدد مجازات اعدام و نه با جنگ و لشکرکشی به پ.ک.ک، کردستان و کشتار مردم، بلکه اساسا با ادامه این سیاست‌های فاشیستی و غیرانسانی برای حکومت نئو عثمانی اردوخان، سرنوشتی جز شکست در آینده نزدیک متصور نخواهد بود.

اصلاحات قانون اساسی مورد نظر اردوخان از جمله ایجاد دو پست «معاونت رئیس جمهوری» و حذف سمت نخست وزیر و انتقال اختیارات وی به رئیس جمهوری و نامیدن وزیران را پیش‌بینی می‌کند. همچنین با افزایش شمار نمایندگان پارلمان از ۵۵۰ به ۶۰۰، اختیارات آنان در زمینه کنترل شورای وزیران، که در حال حاضر حق حکومت نیابتی را دارند، گرفته می‌شود.

این اصلاحات به رئیس جمهوری و پارلمان امکان می‌دهد همراه با یکدیگر ۴ عضو شورای عالی قضات و دادستان‌ها را برگزینند و آن‌ها را مسؤول استخدام کارمندان نظام قضائی بکنند.

سرانجام این که بنا بر این اصلاحات، انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی به جای هر ۴ سال یک بار کنونی، هر پنج سال یکبار و هم زمان انجام خواهد گرفت. این تغییرات که در سال ۲۰۱۹ پیاده خواهد شد، به رئیس جمهوری امکان می‌دهد که در دو دوره دیگر ریاست جمهوری شرکت کند و تا سال ۲۰۲۹ بر سر قدرت بماند.

همپرسی تغییر نظام پارلمانی به ریاستی در ترکیه قرار است روز ۲۷ فروردین ۱۳۹۶ - ۱۶ آوریل ۲۰۱۷، برگزار شود. اعضای دولت رجب طیب اردو خان کوشیده‌اند تا حمایت ترک‌ها در کشورهای اروپائی از این همه‌پرسی را جلب کنند اما به‌نظر می‌رسد موفق نشده‌اند در نتیجه می‌توان پیش‌بینی کرد که این رفراندوم با شکست مواجه خواهد شد.

چهارشنبه نهم فرودین [حمل] ۱۳۹۶ - بیست و نهم مارچ ۲۰۱۷

ادامه دارد.

*توضیح: متأسفانه بخش قبلی به جای بخش دوازدهم، بخش یازدهم منتشر شده است.